

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۲۳

(صفحه ۶۳-۸۶)

## بررسی تأثیرپذیری و سرقات ادبی جلال عضد یزدی از شعر امیر خسرو دهلوی

محسن شریفی صبحی\* - دکتر محمد فاضلی\*\*

### چکیده

امیر خسرو دهلوی یکی از شاعران تأثیرگذار و محبوب در ادب فارسی است؛ با این وجود حتی شمارش دقیق و تصحیح جامع و کامل اشعار وی تا به اکنون میسر نبوده است. بسیاری از شاعران، شعر وی را تتبع کرده‌اند و مجابات اشعار وی، محک قدرت شاعری ایشان بوده است. یکی از این شاعران جلال عضد یزدی است که طبق تحقیقات نگارنده، تأثیرپذیری وی از اشعار خسرو، محدود به تتبعات و مجابات معمول شاعری نبوده و سرقت و انتقال اشعار امیر خسرو در پی داشته است. در این جستار، طی ارزیابی دقیق نسخ دست‌نویس و چاپی اشعار امیر خسرو و جلال، نه تنها تتبعات جلال از امیر خسرو بلکه سرقات وی نیز آفتابی شده است. جمع غزلیات تنها چاپ دیوان جلال عضد یزدی ۲۵۷ شعر است که حدود ۵۰ غزل آن را تحت تأثیر امیر خسرو سروده است و از این ۵۰ غزل نزدیک به ۴۰ غزل با شائبه سرقت همراه است.

**کلیدواژه‌ها:** امیر خسرو دهلوی، جلال عضد، سرقت ادبی، انتقال.

\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد  
\*\* استاد زبان و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد (نویسنده مسئول)

## مقدمه

امیر خسرو دهلوی از بزرگان شاعری در زبان فارسی و از کسانی در شمار است که شاعران بسیاری در عهد وی و در دوران بعد، اشعار او را تتبع کرده و تقلید نموده‌اند. طبق آن چه فخری هروی در ردایف الاشعار آورده، ۱۱۰ شاعر قرون ۱۴ تا اوایل ۱۶ میلادی، منتبع ۳۴۸ غزل امیر خسرو بوده‌اند (عاصمی و میرزایف، ص ۵۴-۵۵). حتی مبنای ماده تاریخی که برای مرگ شیخ آذری -یکی از منتبعان شعر خسرو- سروده شده، بر شباهت اشعار وی با اشعار امیر خسرو اشاره دارد:

چو او مانند خسرو بود در شعر از آن تاریخ موتش گشت خسرو

(دولت‌شاه سمرقندی، ص ۴۵۰)

با این که چندین بار دیوان اشعار امیر خسرو منتشر و تصحیح شده است، هنوز هم دیوانی منقح، سالم و کامل از اشعار او موجود نیست و این امر شاید معلول اشعار بسیار زیاد شاعر باشد؛ «می‌گویند در بعضی مصنفات خود نوشته که اشعار من از پانصد هزار کمتر است و از چهارصد هزار زیاده [است]...» (مجالس العشاق، برگ ۳۷). آن چه موجبات شگفتی خواننده را فراهم خواهد کرد این است که جمع‌آوری دیوان وی از عهد بایسنغر آغاز شده و تا به اکنون کسی را یارای تصحیح و تکمیل این دیوان نبوده است:

«و سلطان حسین بایسنغر خان سعی و جهد بسیار نمود در جمع آوردن سخنان امیر خسرو و همانا یکصد و بیست هزار بیت جمع نموده و بعد از آن دو هزار بیت از غزلیات امیر خسرو جایی یافته که در دیوان نبوده؛ دانسته است که جمع نمودن این اشعار امری متعذر الحصول و آرزویی متعسر الوصول است، ترک نموده است» (دولت‌شاه سمرقندی، ص ۲۴۰).

این حجم بالای اشعار در کنار نقص دواوین چاپی خسرو، ارزیابی به سامان اشعار وی و منتبعان شعر وی را ابتر گذاشته است؛ زیرا بسیاری از اشعار موجود در مجموعه‌های شعری چاپی و سنگی او در دواوین دیگران نیز یافت می‌شود و نوشته‌ای که دلایل این امر را با تحقیق و تحلیل دقیق بررسی شده باشد نگاشته نشده است. اخیراً در باره وجود اشعار امیر خسرو در دیوان دیگران و نیز اشعار دیگران در دیوان وی مقاله‌ای به چاپ رسیده است اما چنان که باید به دلایل این امر پرداخته نشده است (رک: منصوری، ص ۲۵-۴۹). وجود تشابهات و یکسانی‌ها در دواوین فارسی و انتساب یک یا چند شعر به شاعران مختلف امری مسبوق است که یا طی اشتباه و سهل‌انگاری کاتبان و ناسخان نسخ خطی

و یا انتحالات و سرقات خود شاعران رخ داده و بارها دیده و گاه گزارش شده است؛ نگارنده در جستاری دیگر، با مشاهده شباهت‌ها در ساختار شعری عبدالواسع جبلی و سنایی به مبحث سرقات پرداخته و انتحالات جبلی از دیوان سنایی را با ذکر دلایل و بررسی انواع سرقات نشان داده است.<sup>۱</sup>

آن چه در این جستار تبیین خواهد شد، تحلیل تشابهات و یک‌سانی‌هایی است که در اشعار جلال عضد و امیر خسرو دهلوی وجود داشته و در نهایت راقم این سطور را به این نتیجه رسانیده که جلال، حداقل ۳۲ شعر امیر خسرو را انتحال و اغاره کرده است. گویا اصیل‌ترین و قدیم‌ترین گزارش در باب سابقه سرقت از امیر خسرو دهلوی در شعر کاتبی ترشیزی دیده می‌شود. حسن دهلوی و عصمت بخاری از جمله شاعرانی هستند که متهم به سرقت اشعار امیر خسرو شده‌اند؛ کاتبی ضمن تعریضی که بر کمال خجندی داشته، به اعتقاد عموم مبنی بر سرقات حسن دهلوی از امیر خسرو نیز اشاره کرده است:

گر حسن معنی ز خسرو برد نتوان عیب کرد  
زان که استاد است خسرو بلکه ز استادان زیاد  
ور معانی حسن را برد از دیوان کمال  
هیچ نتوان گفت او را دزد بر دزد اوفتاد  
(کاتبی، برگ ۱۴۰؛ صفا ج ۴، ص ۲۰۰)

طبق گزارشی دیگر از کاتبی که بنای آن بر قطعه‌ای ۲ بیتی است، اعتراض وی بر شعر دزدی، دامن عصمت بخاری را نیز گرفته است:

میر خسرو را علیه الرحمه شب دیدم به خواب  
گفتمش عصمت تو را یک خوشه چین خرمن است  
شعر او چون است کز شعر تورونق به گرفت  
گفت باکی نیست شعر او هم از شعر من است  
(کاتبی، برگ ۱۴۴؛ صفا ج ۴، ص ۱۹۹)

مرگ امیر خسرو را سال ۷۲۵ ق گفته‌اند: «در جمعه شب هفتصد و بیست و پنج فوت شد» (مجالس العشاق، برگ ۳۷). جلال عضد یزدی نیز که بیش‌تر عمر خود را در شیراز گذرانیده - و شاعر دربار ابواسحاق اینجو و مداح برخی امیران آل چوپان بوده - به استناد قول تقی کاشی، در عنفوان جوانی و در تاریخ ۷۳۹ ق درگذشته است (تقی کاشی، ص ۲۳۵).<sup>۲</sup>

۱. برای آگاهی بیشتر در باب سرقات و انواع آن رک: شریفی صحنی و پورخالقی، سرتاسر مقاله.  
۲. برای آگاهی درباره زندگی و شعر جلال، رک: قوجه‌زاده و بهزادی اندوهجودی، سرتاسر مقاله.

با عنایت به نزدیکی دورهٔ زندگانی دو شاعر، این احتمال که جلال از اشعار امیر خسرو مطلع بوده باشد، دور از ذهن نیست؛ لیکن اثبات سرقت ادبی وی از خسرو، با در نظر گرفتن موجود نبودن تصحیحی جامع، انتقادی و منقح از اشعار دو شاعر به آسانی میسر نگشته است؛ آن دسته از اشعار جلال که ظن انتقال را در نظر بنده برانگیخته و در دیوان چاپی وی نیز موجود است، در اغلب دیوان‌های چاپی امیر خسرو نیز وجود دارد و اکتفا به دواوین چاپی این دو شاعر، مقصود نویسندهٔ این اوراق را در اثبات این امر برآورده خواهد کرد؛ لیکن راقم این سطور، تمامی اشعار ما نحن فیہ منسوب به جلال و امیر خسرو را با بهره‌مندی از دست‌نویس‌های قدیمی و معتبر و منابع خطی و چاپی دیگر، تا حد مقدور، نیز ارزیابی کرده است.

اشعار مورد نظر که تقریباً تمامی آنها عامدانه و آگاهانه با تخلص جلال همراه گشته و گاه طی پیوند با ابیاتی جدید دیده می‌شود (اشتباه و سهل‌انگاری کاتبان و ناسخان منتفی است) در نسخهٔ شمارهٔ ۵۸۹ کتابخانهٔ اصغر مهدوی مکتوب به سال ۸۲۱ق و مجموعهٔ اشعار شمارهٔ ۲۶۵۶ کتابخانهٔ مجلس، که به تاریخ ۸۳۴ق تحریر یافته، مشاهده می‌گردد. هر یک از این دو نسخه حاوی تعدادی از این اشعار است نه تمام اشعار. برخی از این غزلیات در بیاض علامرندی (۷۹۲ق)، جنگ آستان قدس (۸۳۳ق)، جنگ بادلیان (۸۳۹ق) و برخی متون دیگر نیز موجود است. این دست‌نویس از نسخ قدیم و معتبر حاوی اشعار وی در شمار می‌آید و این امر می‌تواند دلیلی دیگر باشد بر اینکه کاتبان و ناسخان دخالت و اشتباهی در ثبت اشعار امیر خسرو به نام جلال نداشته‌اند و خود جلال آگاهانه اشعاری از امیر خسرو را انتقال کرده است.

اولین متنی که با استناد به نسخه‌ای دست‌نویس، این اشعار را به نام امیر خسرو درج کرده و به‌نظر نگارنده رسیده، دیوان چاپی م. درویش با مقدمهٔ سعید نفیسی است که براساس نسخه‌ای به تاریخ ۹۶۳ق ترتیب داده شده است. جست‌وجوی راقم این جستار در جستن متنی قدیم‌تر در انتساب این اشعار به خسرو، به دو دست‌نویس از دیوان وی منتهی شد که اصل یکی در آستان قدس رضوی (۸۹۷ق) و آن دیگری در روسیه (۹۱۲ق) است. ۱۸ شعر از ۳۲ شعر، در نسخهٔ رضوی موجود است و نسخهٔ روسیه به جز یک شعر، ۳۱ شعر دیگر را به نام امیر خسرو به ثبت رسانده است؛ اما این نکته را نباید از

نظر دور داشت که قسمت اعظم اشعار امیر خسرو، نه تمام آن، در اواخر قرن نهم و اوایل قرن ۱۰ جمع‌آوری شده و عنایت به موارد پیش‌گفته مربوط به عهد بایسنغر و نسخ موجود گواه این امر است؛ نسخه مورخ ۸۹۴ق می‌شیگان، نسخه مورخ ۸۹۷ق رضوی، نسخه مورخ ۹۰۹ق مونیخ، نسخه مورخ ۹۱۲ق روسیه، نسخه مورخ ۹۲۰ق ملی و نسخه مورخ ۹۶۳ق از جمله نسخی هستند که بیشتر اشعار وی را در خود ضبط کرده‌اند و نسخه‌های قدیم‌تر مربوط به اوایل قرن نهم تنها حاوی گزیده اشعار امیر خسرو هستند؛ از این رو بسیار محتمل است سه نسخه ۸۹۷ق، ۹۱۲ق و ۹۶۳ق مادر نسخه‌های حاوی اشعار ما نحن فیہ داشته باشند و این امر انتساب اشعاری را که ذکر آن خواهد رفت به امیر خسرو تقویت خواهد کرد؛ مضاف بر اینکه نباید از نظر دور داشت به دلیل حجم زیاد اشعار خسرو، هیچ‌کدام از نسخ دست‌نویس اشعار وی جامع دیوان وی نیست و موجود نبودن اشعار مورد نظر در نسخ قدیم، که اغلب گزیده‌ای از اشعار امیر خسرو را در بر دارد، چیزی از اصالت نسخ مذکور نخواهد کاست.

از این رو مسائل بنیادین و اساسی این جستار بدین شرح طرح می‌گردد:

صرف نظر از ۳۲ غزل یکسان در دیوان دو شاعر، آیا مواردی از تأثیرپذیری‌های جلال را در شباهت‌ها و همسانی‌ها - با عنایت به تقدم زمانی امیر خسرو بر جلال - در قیاس با اشعار امیر خسرو می‌توان اثبات کرد؟ آیا جز این موارد همسانی، که به زعم نگارنده انتحال ادبی است، سرقات دیگری نیز رخ داده است؟ آیا جلال عضو اشعار امیر خسرو دهلوی را در دسترس داشته و مشاهده و مطالعه کرده است؟ دلایل اختلاف و افزایش تعداد ابیات جلال، نه اختلاف در ضبط ابیات، در برخی غزلیات (۱۷ مورد) یکسان چیست؟

تا به اینجا سخن از یکسانی و شباهت تام ۳۲ شعر در دیوان دو شاعر بوده است که برخی از این غزلیات (۱۷ غزل) ثبت شده به نام جلال، علاوه بر تکرار ابیات خسرو، تعداد ابیات بیشتری دارد؛ اما با عنایت به نکاتی که عرض خواهد شد، تأثیرپذیری و تبعات جلال عضو از شعر امیر خسرو دهلوی در کاربرد وزن، قافیه، ردیف و تضمین عبارات، مصاریع و ابیات وی امری آشکار به نظر می‌رسد؛ یعنی مضاف بر ۳۲ شعری که تقریباً در دو دیوان یکسان آمده است، مواردی کشف شده که نه تنها دسترسی جلال به اشعار امیر خسرو، اشعاری که برخلاف ۳۲ شعر مورد نظر، اغلب در جنگ‌های شعری قدیم نیز

موجود است، و بهره‌مندی وی از این اشعار را تأیید خواهد کرد، بلکه مواردی به دست خواهیم داد که بلاشک از حیطة تضمین و تأثیرپذیری گذشته و ظن انتحال و سرقت ادبی وی از دیوان امیر خسرو دهلوی را به یقین بدل خواهد نمود و یاریگر نویسنده در اثبات سرقات عدیدهٔ ادبی جلال عضد خواهد شد؛ این موارد به شرح زیر است:

۱) در نسخهٔ مورخ ۸۲۰ ق پاریس (برگ ۳۵)، که جزو اقدام نسخ گزیدهٔ اشعار امیر خسرو است، غزلی با مطلع زیر به نام امیر خسرو آمده است:

مرا غمی است که پیدا نمی‌توانم کرد      حکایت دل شیدا نمی‌توانم کرد  
حال بیت زیر که مطلع غزلی از جلال است با آن مقایسه خواهد شد:  
دارم غم نهانی و پیدا نمی‌کنم      با کس حکایت دل شیدا نمی‌کنم

(جلال عضد، ص ۱۴۴؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۵۷۶)

اگر مطلع، تنها بیت این غزل بود که معنا، مضمون و ترکیب واژگانی هم‌سان در شعر ۲ شاعر داشت، می‌توانستیم با اغماض حکم به توارد کنیم و جلال را از اتهام سرقت مبرا بدانیم؛ اما وضعیتی مشابه با بیت مذکور در سه بیت دیگر شعر مذکور نیز مشاهده می‌گردد که دلیلی جز اغاره ندارد و این شعر امیر خسرو در اقدام نسخ اشعار وی (۸۲۰ ق) نیز موجود است؛ بیت شش خسرو:

مگر تو خود ز کرم باز بخشیم دل ریش      که من ز شرم تقاضا نمی‌توانم کرد

خسرو در مصراع اول از معشوق می‌خواهد که از راه کرم دل ریش او را به او ببخشد و بازگرداند؛ عین همین تقاضا با جابه‌جایی واژگان در مصراع اول بیت سوم جلال نیز مشهود است؛ مصراع دوم نیز به تمامی انتحال گشته است:

آخر تو باز ده به کرم جان زار من      گیرم که من ز شرم تقاضا نمی‌کنم

در بیتی دیگر (بیت پنجم) امیر خسرو خطاب به معشوق می‌گوید از روزی که روی او را تماشا کرده، دیگر نمی‌تواند به هیچ باغی بنگرد:

از آن گهی که تماشای روی تو کردم      به هیچ باغ تماشا نمی‌توانم کرد

همین تصویر «تماشای روی معشوق» در بیت ششم غزل جلال، مبدل به «تفرج بستان عارض» معشوق گشته و مصراع دوم نیز انتحال شده است:

تا کرده‌ام تفرج بستان عارضت      دیگر به هیچ باغ تماشا نمی‌کنم

مضمون بیت چهارم امیر خسرو نیز در بیت چهارم جلال واضح است:

بدین خوشم که تو باری درون جان منی من ار به خاطر تو جانمی توانم کرد  
در دل به جز هوای تو راه نمی‌دهم در سر به جز خیال تو را جانمی کنم  
۲) غزل هفت بیتی زیر نیز در همان نسخه مورخ ۸۲۰ ق (برگ ۱۴۸) به نام امیر خسرو  
ثبت شده است:

زین پس سر آن نیست که من زهد فروشم ساقی قدحی ده که به روی تو بنوشم  
جلال نه تنها وزن، قافیه، ردیف و ساختار این غزل را تقلید کرده بلکه سه مصراع  
امیر خسرو را عیناً تکرار نموده است؛ تکراری که بی ذکر نام وی صورت گرفته و شائبه  
اگار و انتحال از این عمل برمی‌آید؛ بیت چهارم جلال که مصراع دوم مطلع امیر خسرو را  
دارد چنین است:

شیخ سخنی گفت و دلم زو ننیوشید ساقی قدحی ده که به روی تو بنوشم  
(جلال عضد، ص ۱۳۳؛ جنگ مهدوی، برگ ۲۴۵؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۵۵۵؛  
دست‌نویس مجلس (ش ۸۸۳۶)، برگ ۴۸۵)  
ابیات دو و پنج جلال نیز متأثر از ابیات پنج و هفت امیر خسرو سروده شده است:  
بیت پنجم خسرو:

برده‌ست ز هوش و دلم اندیشه تیمار المنة لله که نه دل ماند و نه هوشم  
بیت دوم جلال:

دل هر نفسم پند همی داد که هش دار المنة لله که نه دل ماند و نه هوشم  
بیت هفتم خسرو:

پوشیده بسی خدمت بت کردم و زین پس ز نار هوس می‌کندم از تو چه پوشم  
بیت پنجم جلال:

هر چند که پوشیده‌ام این دلق مرقع ز نار هوس می‌کندم از تو چه پوشم

۳) تأثیر غزل هفت‌بیتی دیگری از امیر خسرو (دست‌نویس پاریس (ش ۱۴۶۹)، برگ ۸۲) نیز  
در وزن، قافیه، ردیف، ساختار واژه‌ها، ترکیبات و تضمین مصراع‌ی در شعر جلال (جلال  
عضد، ص ۷۶؛ جنگ مهدوی، برگ ۲۵۱) ارزیابی می‌گردد؛ ناگفته نماند امیر خسرو نیز این غزل  
را طبق سنت تتبع شاعرانه به اقتفای سعدی (ص ۲۸۳) یا اوحدی (ص ۱۹۵) سروده که در  
دیوان هر دو شاعر موجود است و تکرار شده؛ لیکن جلال عضد از شعر امیر خسرو  
بهره‌مند گشته است نه از شعر منسوب به دو شاعر مذکور؛ زیرا تتبع وی محدود به ساختار

وزن و ردیف و قافیه نیست؛ بلکه مصاریعی را نیز بدون التزام به ذکر نام خسرو بعینه تکرار نموده است؛ بیت اول خسرو:

نیکوان مهر نمایند و وفا نیز کنند      دل در آن مهر نبندی که جفا نیز کنند

بیت اول جلال:

گرچه یاران وفادار جفا نیز کنند      سست‌عهدان جفاکار وفا نیز کنند

بیت پنج خسرو:

هجر مپسند چو دانی که وکیلان سپهر      دوستان را به هم آرند و جدا نیز کنند

«هجر مپسند» در بیت هشتم جلال بدل به «مکن آهنگ جدایی» شده و «وکیلان سپهر» به «اجرام فلک» تغییر یافته است؛ مصراع دوم نیز عیناً تکرار و انتقال شده است:

مکن آهنگ جدایی که خود اجرام فلک      دوستان را به هم آرند و جدا نیز کنند

بیت سوم امیر خسرو در نسخهٔ مورخ ۸۲۰ پاریس به شرح زیر است:

عالمی را مکش از غمزه که ترکان به خدنگ      گرچه بکشند بسی صید خطا نیز کنند

ضبط «خطا» در مصراع دوم، در نسخهٔ چاپی امیر خسرو «رها» است و بیت نهم جلال نیز تحت تأثیر بیت سوم امیر خسرو سروده شده است:

دلَم از بند برون آر و به من بازفرست      این شکاری ست که گیرند و رها نیز کنند

۴) غزل زیر نیز در جمع اشعار امیر خسرو دیده می‌شود:

بخت آنم نیست تا پیش تو سربازی کنم      تو کجا چوگان زنی تا من سراندازی کنم  
(امیر خسرو دهلوی ۴، برگ ۲۴۳؛ همو، ۶، برگ ۶۶۵؛ دست‌نویس مونیخ (ش ۶۴)، برگ ۲۲۵)

این غزل نیز مورد اقبال جلال واقع شده و تأثیر آن در ابیات وی هویدا است:

کی دهد دستم که در پایت سرافرازی کنم      تو زنی چوگان و من چون گوی سربازی کنم  
(جلال عضد، ص ۱۵۰؛ جنگ مهدوی، برگ ۲۲۹؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۶۳۸)

اما بیت ششم خسرو، با عنایت به حفظ معنا و جابه‌جایی در واژه‌ها و ساختار آنها از سوی جلال در بیت چهارم، شائبهٔ اغاره دارد:

سرو گفتا خط دهم از سبزه اندر بندگیت      نام آزادی برم یا خود سرافرازی کنم  
تا به آزادی و یکرنگی شدم ثابت‌قدم      شاید ار چون سرو دعوی سرافرازی کنم

بیت پنجم امیر خسرو چنین است:

جغد نالانم درین ویرانه‌ای از کوی تو      من نه آن مرغم که با بلبل هم‌آوازی کنم



بیت بالا با تغییری جزئی در تبدیل «بلبل» به «زاغان» در مصراع دوم، در بیت ششم جلال به چشم می‌خورد:

کشتن اولی‌تر که با ناجنس بودن در قفس      من نه آن مرغم که با زاغان هم آوازی کنم  
همچنین عضد در بیت دوم تعبیر «کیسه‌پردازی» را از شعر امیر خسرو برداشته است:  
پوستی دارم که در وی نقدی از هستی نماند      با خریداران تو چون کیسه‌پردازی کنم  
نکنه‌ای زان لب بگو تا برفشانم جان و دل      گوهری بنمای تا من کیسه‌پردازی کنم  
(۵) غزلی با مطلع زیر در اقدم نسخ امیر خسرو موجود است:

دلدار مرا بهره به جز غم نفرستاد      بر درد دل سوخته مرهم نفرستاد  
(دست‌نویس پاریس (ش ۱۴۶۹)، برگ ۱۴۳؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۳۹/۱)، برگ ۱۲۶؛ امیر خسرو دهلوی ۳، برگ ۲۲۱)

جلال عضد همچون مواردی که پیش‌تر عرض شد، به تتبع شعر مذکور پرداخته و مصراعی از بیت هفتم خسرو را در بیت چهارم خویش، بی ذکر نام خسرو، تضمین کرده است:  
یک خنده نکرد از پی جان‌داری بیمار      مردیم و کسی نیز به ماتم نفرستاد  
گفتم که قدم رنجه کند بر سر بیمار      مردیم و کسی نیز به ماتم نفرستاد  
(جلال عضد، ص ۵۴؛ جنگ مهدوی، برگ ۱۹۰؛ ایضاً ۴ بیت در دست‌نویس مجلس (ش ۵۹۷۶)، برگ: ۷۹۹؛ علامندی، ص ۲۳۲)

(۶) غزلی دیگر از امیر خسرو با مطلع زیر مورد استقبال جلال واقع شده است:  
سر پر خمار شب به کنار که بوده‌ای      لب‌ها فگار همدم و یار که بوده‌ای  
(امیر خسرو دهلوی ۲، برگ ۸۰۷؛ همو ۳، برگ ۷۲۷)  
جلال نیز علاوه بر تتبع وزن و ردیف و قافیه، مطلع خویش را به کمک مطلع خسرو ساخته است: «لب‌ها فگار» در مصراع دوم خسرو، بدل به «لب‌ها گزیده» در مصراع دوم جلال شده و «همدم و یار که بوده‌ای» در ادامه مصراع دوم خسرو، عیناً در مصراع اول جلال تکرار شده است:

ای یار دوش همدم و یار که بوده‌ای      لب‌ها گزیده شب به کنار که بوده‌ای  
(جلال عضد، ص ۱۸۱؛ جنگ مهدوی، برگ ۱۷۹؛ ایضاً دو بیت در دست‌نویس مجلس (ش ۵۹۷۶)، برگ ۸۰۷)  
(۷) شعر دیگری از امیر خسرو که که در کنار تتبع، اغاره نیز شده به شرح زیر است:  
یا رب آن روی است یا گلبرگ خندان در نظر      خه خه آن بالاست یا سرو خرامان در نظر

مطلع شعر جلال نیز به شکل زیر آمده است:

تا که آمد دیده را بالای جانان در نظر  
خوش نمی‌آید مرا ملک سلیمان در نظر  
(جنگ مهدوی، برگ ۱۷۱)

ضبط همین بیت در بیاض علامندی (ص ۲۹۹) به شکل زیر است که شباهتی بیشتر با بیت امیر خسرو دارد:

تا که آمد دیده را بالای جانان در نظر  
خوش نمی‌آید مرا سرو خرامان در نظر  
تا بدین جا با تتبع تام شعر امیر خسرو مواجه هستیم؛ لیکن جلال عضد، مفاهیم و واژه‌های بیت چهارم خویش را از روی بیت چهارم امیر خسرو ساخته است:

در تو می‌بینم ز دور و دل ز حسرت بی‌قرار  
تشنه را کی سود دارد آب حیوان در نظر  
چون لب لعلت بینم حسرتم گردد فزون  
من چنین لب‌تشنه آن‌گه آب حیوان در نظر  
۸) برخلاف سنت معهود جلال که اغارهٔ شعر امیر خسرو در اشعار وی، همراه با تتبع و استقبال بوده است، شعری وجود دارد که فقط یکی از مصاربع امیر خسرو را عیناً تکرار کرده است:

مصراع «سرگذشتی بشنو از من داشتم وقتی دلی» در شعر هر دو شاعر دیده می‌شود.  
(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۳۱۸، همو ۱، ص ۲۰۳؛ همو ۵، برگ ۱۰۳؛ جلال عضد، ص ۱۹۱؛ جنگ مهدوی، برگ ۱۹۳؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ۵۶۴؛ علامندی، ص ۲۴۱)

موارد مذکور مؤید این موضوع است که جلال اشعار امیر خسرو را دیده، خوانده و مورد بهره‌برداری سوء قرار داده است و به‌نحوی که مشاهده گشت، سرقت ابیات و مصاربع امیر خسرو در شعر جلال واضح است. حال به جهت پرهیز از تطویل، به شاکلهٔ بحث خواهیم پرداخت که معرفی ۳۲ غزل منتحل از امیر خسرو در دیوان جلال است:

۹) غزلی شش بیتی به نام امیر خسرو موجود است که با نُه بیت در جمع اشعار جلال نیز مشاهده می‌شود:

کجا دولت وصلش آرم به دست  
که جز باد چیزی ندارم به دست

ابیات اول، دوم، چهارم و پنجم امیر خسرو با اختلافاتی اندک در حد تغییر واژه، در اشعار جلال موجود است؛ مصراع اول بیت سوم نیز یکسان است؛ اما جلال در مصراع دوم این بیت تغییر ایجاد کرده و مصراعی جدید آورده است. البته همان مصراع دوم از بیت سوم

خسرو، با اضافه شدن به مصراع‌ی دیگر، بیت دیگری را در اشعار جلال تشکیل داده است که ابیات آن به شرح زیر است؛ بیت سوم خسرو:

گهش می‌فشانم سر خود به پای چه چاره نبود اختیارم به دست

مصاریع اول و دوم در ابیات سوم و چهارم جلال، همان بیت بالاست:

گهش می‌فشانم سر خود به پای گهش جان خود می‌سپارم به دست

بدادم دل از دست چون دیدمش چه چاره نبود اختیارم به دست

بیت آخر و تخلص خسرو نیز چنین است:

بیازم سر خویش خسرو اگر گهی دامن وصلش آرم به دست

تغییرات جلال در بیت بالا، بیت نهم و تخلص او را رقم زده است:

بیازم سر خویش را چون جلال مگر دامن وصلش آرم به دست

(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۱۹۴؛ همو ۱، ص ۱۲۷؛ همو ۶، برگ ۲۰۲؛ جلال عضد، ص ۳۱؛ جنگ مهدوی، برگ ۱۶۵؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۶۲۲؛ مسافر بن ناصر ملطوی، ص ۲۹۵؛ ایضاً پنج بیت در دست‌نویس مجلس (ش ۵۹۷۶) برگ ۷۹۷)

۱۰) غزلی هفت‌بیتی در دیوان امیر خسرو دیده می‌شود که با هشت بیت به نام جلال

نیز آمده و اختلافات در ذکر ابیات بسیار اندک است:

آن را که غمی باشد و گفتن نتواند شب تا به سحر نالد و خفتن نتواند

(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۲۶۴؛ همو ۱، ص ۱۶۴؛ همو ۴، برگ ۱۳۶؛ همو ۶، برگ ۲۶۸؛ جلال عضد، ص ۵۵؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۵۳۶-۵۳۷؛ جنگ مهدوی، برگ ۱۶۹؛ جنگ بادلیان، برگ ۴۸۴؛ ۳ بیت در خلاصه‌الاشعار، ص ۲۶۶؛ ایضاً ۴ بیت در دست‌نویس مجلس (ش ۵۹۷۶)، برگ ۷۹۹)

در نسخه ۹۱۲ ق امیر خسرو در روسیه، بیت آخر امیر خسرو با بیت ما قبل آخر جلال تقریباً یکسان است و خبری از تخلص او نیست:

جوینده چه سختی‌ست که بر خود نکند سهل فرهاد چه سنگ است که سفتن نتواند

اما در چاپ درویش، که منبع آن نسخه ۹۶۳ ق است، و نیز چاپ اقبال، بیت مذکور با تخلص خسرو همراه گشته که با توجه به تغییری که لطافت بیت بالا را از بین برده، ممکن است بعدها به دست کاتبی ناشی این اختلاف رخ داده باشد:

جوینده چه سهل است که بر خود نکند سهل فرهاد چو خسرو ره رفتن نتواند

بیت هشتم و آخر جلال نیز دارای تخلص اوست؛ به‌زعم نگارنده جلال که از تغییر و

مصادره به مطلوب بیت مقطع امیر خسرو ناتوان بوده و اقتضای وزن در اختلاف وزن «خسرو» و «جلال» نیز بر این امر مزید گشته، بیت هشتم را با نام خویش ساخته تا کل غزل را به نام خود مصادره کند:

آن شد که جلال از سر کوی تو شود دور کز ضعف چنان است که رفتن نتواند  
(۱۱) غزلی که مطلع آن به شرح زیر است در دیوان جلال ۱۰ و در اشعار امیر خسرو هشت بیت دارد:

اگر نسیم صبا زلف او برافشاند هزار جان مقید ز بند برهاند  
(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۴۲۸؛ همو ۱، ص ۲۹۷؛ همو ۴، برگ ۱۳۶؛ همو ۶، برگ ۴۸۷؛ جلال عضد، ص ۶۴؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۵۴۲؛ جنگ مهدوی، برگ ۱۹۹)  
هشت بیت مشترک بدون تغییرات در دو دیوان یکسان آمده است؛ امیر خسرو تخلص ندارد و گویا همانند غزل شماره دو، جلال بیت ۱۰ خود را با زیرکی ساخته و غزل را به نام خود کرده است.

(۱۲) بدون کوچک‌ترین تفاوتی غزلی نه‌بیتی در دیوان هر دو شاعر به چشم می‌خورد:  
نگویم در تو عیبی ای پسر هست ولیکن بی‌وفایی این‌قدر هست  
(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۱۰۳؛ همو ۱، ص ۵۵؛ همو ۶، برگ ۸۳؛ جلال عضد، ص ۴۸؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۵۵۲-۵۵۳؛ جنگ مهدوی، برگ ۲۲۱؛ ایضا پنج بیت در دست‌نویس مجلس (ش ۵۹۷۶)، برگ ۷۹۸-۷۹۹)

بیت نهم دارای تخلص دو شاعر است و جلال با زیرکی از جمع ۱۸ مصراع موجود، فقط مصراع اول مقطع را که حاوی تخلص خسرو می‌باشد تغییر داده است؛ این حرکت رندانه در اغلب غزل‌ها تکرار شده است:

شب هجران دراز است ارچه خسرو مشو غمگین که امید سحر هست  
جلال ارچه شب هجران دراز است مشو غمگین که امید سحر هست

(۱۳) غزلی نه‌بیتی با مطلع زیر در هر دو دیوان موجود است:

عشق تو هر لحظه فزون می‌شود دل ز غمت قطره خون می‌شود

تخلص در بیت آخر:

در دل خسرو نگر آن آتشی‌ست کز فلکش دود برون می‌شود  
در دل سوزان جلال آتشی‌ست کز فلکش دود برون می‌شود

(امیرخسرو دهلوی ۲، ص ۳۸۲؛ همو ۱، ص ۲۵۶؛ همو ۴، برگ ۱۶۱؛ همو ۶، برگ ۴۰۹؛ جلال عضد، ص ۶۳؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۵۵۹؛ جنگ مهدوی، برگ ۲۰۰؛ جنگ آستان قدس... (ش ۱۰۳۹۹)، برگ ۱۲۳؛ دو بیت در دست‌نویس مجلس (ش ۵۹۷۶)، برگ ۸۰۰)

(۱۴) غزلی ۱۰ بیتی با مطلع زیر نیز در جمع اشعار هر دو شاعر به چشم می‌خورد:

شوق توام باز گریبان گرفت / اشک دوان آمد و دامن گرفت

تخلص در بیت ۱۰:

خسرو بیدل ز دو عالم برست / وز دو جهان دامن جانان گرفت

جان جلال از همه عالم برست / وز دو جهان دامن جانان گرفت

(امیرخسرو دهلوی ۲، ص ۱۸۲؛ همو ۱، ص ۱۱۷؛ همو ۴، برگ ۲۷؛ همو ۶، برگ ۱۸۸؛ جلال عضد، ص ۱۷؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۵۶۲؛ جنگ مهدوی، برگ ۱۶۲؛ پنج بیت در خلاصه‌الاشعار، ص ۲۶۲؛ ۴ بیت در دست‌نویس مجلس (ش ۵۹۷۶)، برگ ۷۹۹)

(۱۵) غزلی هشت‌بیتی در هر دو دیوان موجود است:

شوخی نگر که آن بت عیار می‌کند / دل را به بند زلف گرفتار می‌کند

اما هر یک بیتی دارند که در دیوان دیگری نیامده و بیت هشتم حاوی تخلص ایشان است:

در خورد دوست نیست نثار دگر تو را / خسرو سری که دارد و ایشار می‌کند

در خورد دوست نیست نثاری جلال را / بیش از سری ندارد و ایشار می‌کند

(امیرخسرو دهلوی ۲، ص ۴۰۸؛ همو ۱، ص ۲۸۰؛ همو ۴، برگ ۵۹؛ همو ۶، برگ ۴۵۱؛ جلال عضد، ص ۶۹ «نه بیت»؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۵۶۵؛ جنگ مهدوی، برگ ۱۸۲؛ جنگ بادلیان، برگ ۴۸۹)

(۱۶) مطلع غزلی که در هر دو دیوان با ۱۱ بیت آمده است:

من سرو ندیدم که به بالای تو ماند / بالای تو سرویست که گل می‌شکفاند

تخلص هر دو شاعر در بیت آخر:

مانده خسرو که به سختی بنهد دل / هم عاقبتش بخت به مقصود رساند

مانند جلال آن که به سختی بنهد دل / هم عاقبتش بخت به مقصود رساند

(امیرخسرو دهلوی ۲، ص ۲۶۵؛ همو ۱، ص ۱۶۵؛ همو ۴، برگ ۱۶۹؛ همو ۶، برگ ۲۶۹؛ جلال عضد، ص ۷۱؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۵۶۹-۵۷۰؛ جنگ مهدوی، برگ ۲۴۸-۲۴۹؛ ۴ بیت در خلاصه‌الاشعار، ص ۲۶۹؛ پنج بیت در دست‌نویس مجلس (ش ۵۹۷۶)، برگ ۸۰۱)

۱۷) غزل زیر در اشعار جلال عضد ۱۱ و در دیوان امیر خسرو ۸ بیت دارد:

هر که را خال عنبرین باشد گر کند ناز نازنین باشد

(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۴۴۶؛ همو ۱، ص ۳۱۳؛ همو ۴، برگ ۱۷۲ ب؛ همو ۶، برگ ۵۱۴؛ جلال عضد، ص ۷۹؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۵۷۸؛ جنگ مهدوی، برگ ۲۵۶؛ ایضاً دو بیت در دست‌نویس مجلس (ش ۵۹۷۶)، برگ ۸۰۲)

این غزل نیز از جمله اشعاری است که در دیوان امیر خسرو بی‌تخلص آمده و هشت بیت آن به‌تمامی در دیوان جلال انتقال گشته است؛ مضاف بر این هشت بیت، در نسخه مهدوی دو بیت دیگر و در مجموعه مجلس سه بیت دیگر به نام جلال به ثبت رسیده است. اوحدی نیز در عرفات‌العاشقین، شش بیت آن را در ذیل اشعار جلال آورده (ج ۲، ص ۱۰۱۵) و گفته: «و بعضی این ابیات مذکور از دیگر جلالی دانند» (همو، ج ۲، ص ۱۰۱۲).

۱۸) غزل ۱۱ بیتی زیر در دیوان جلال نیز درج شده و کاتب نسخه مهدوی همچون

غزل پیشین یک بیت آن را درج نکرده است:

از رخت ارغوان نموداری ست وز رخم زعفران نموداری ست

(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۱۸۹؛ همو ۱، ص ۱۲۳؛ همو، برگ ۱۱۹ آ؛ همو ۶، برگ ۱۹۶؛ جلال عضد، ص ۳۹؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۵۸۰؛ جنگ مهدوی، برگ ۲۰۸؛ ایضاً سه بیت در دست‌نویس مجلس (ش ۵۹۷۶)، برگ ۷۹۸)

بیت آخر که تخلص دو شاعر را در بر دارد:

لاله‌زار سرشک خسرو بین از بهار و خزان نموداری ست

لاله‌زار سرشک روی جلال از بهار و خزان نموداری ست

۱۹) غزل زیر در دیوان جلال ۱۱ بیت و در دیوان خسرو ۹ بیت دارد:

دزدانه در آمد از درم دوش افکنده کمند زلف بر دوش

(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۵۱۹؛ همو ۱، ص ۳۴۸؛ همو ۶، ص ۵۷۴؛ جلال عضد، ص ۱۱۸؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۵۹۵؛ جنگ مهدوی، برگ ۲۳۳؛ ایضاً ۶ بیت در دست‌نویس کتابخانه مجلس (ش ۵۹۷۶)، برگ ۸۰۵)

تخلص هر دو شاعر در بیت آخر:

یک حلقه به گوش خسرو انداز کو بنده توست حلقه در گوش

در گوش جلال حلقه‌ای کن کو بنده توست حلقه در گوش

۲۰) غزل مشابه دیگری که در اشعار جلال ۱۳ و در دیوان خسرو ۱۱ بیت دارد:

دوش می‌رفت و آه می‌کردم در پی او نگاه می‌کردم

(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۶۶۱؛ همو ۱، ص ۴۴۸ (۹ بیت)؛ همو ۶، برگ ۷۳۷؛ جلال عضد، ص ۱۴۷؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۵۹۹؛ جنگ مهدوی، برگ ۲۳۶؛ پنج بیت در خلاصه‌الاشعار، ص ۲۷۷؛ ۳ بیت در دست‌نویس کتابخانه مجلس (ش ۵۹۷۶)، برگ ۸۰۷)

بیت آخر:

بعد ازین وقت توبه شد خسرو پیش ازین گر گناه می‌کردم

پس ازین وقت توبت است جلال پیش ازین گر گناه می‌کردم

(۲۱) غزل زیر در دیوان امیر خسرو ۹ و در دیوان جلال ۱۰ بیت دارد؛ با این توضیح که

نسخه مهدوی یک بیت را ثبت نکرده است:

صبا ز زلف تو بویی به عاشقان آورد نسیم آن به تن رفته باز جان آورد

(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۴۴۳؛ همو ۱، ص ۳۰۱ (۸ بیت)؛ همو ۶، برگ ۴۹۵؛ جلال عضد، ص ۹۱؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۶۰۱؛ جنگ مهدوی، برگ ۲۳۵؛ ۳ بیت در خلاصه‌الاشعار، ص ۲۷۱؛ علامرندی، ص ۲۶۳)

بیت آخر:

کسی به قربت تو دست یافت چون خسرو که رو به سوی تو و پشت بر جهان آورد

کسی به حضرت تو دست یافت همچو جلال که روی سوی تو و پشت بر جهان آورد

(۲۲) مطلع زیر مربوط به غزلی هشت‌بیتی است که در جمع اشعار دو شاعر دیده

می‌شود:

عاشق سوخته دل زنده به جان دگر است از جهانش چه خبر کاو به جهان دگر است

(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۱۲۹؛ همو ۱، ص ۷۳؛ همو ۶، برگ ۱۱۲؛ جلال عضد، برگ ۴۶؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۶۰۶؛ جنگ مهدوی، برگ ۲۳۹)

تخلص هر دو شاعر در بیت آخر:

شد به بویی ز لب زنده چو خسرو جاوید کز لطافت لب شیرین تو جان دگر است

شد به بویی ز لب زنده جاوید جلال کز لطافت لب شیرین تو جان دگر است

(۲۳) غزل زیر در دیوان خسرو، چاپ درویش با ۵ بیت و در نسخه روسیه ۶ بیت دارد؛

همین شعر در جنگ مهدوی با هشت بیت و در مجموعه ۱۱ دیوان با ۹ بیت به نام عضد به ثبت رسیده است:

بویی ز سر زلف نگارین به من آرید یک نافه از آن طره مشکین به من آرید

ضبط مصراع دوم مطلع در شعر جلال «یک طره...» و بیت سوم و پنجم وی نیز جدید است. بیت سوم امیر خسرو چنین است:

مخمورم و جانم به سوی می نگران است      آن باده که درداد نخستین به من آرید

حال جلال ابیات ۴ و ۶ شعر خود را بدین نحو ساخته است؛ در واقع دو مصراع بالا از خسرو، تشکیل دهنده دو بیت منتحل جلال عضد است:

مخمورم و جانم به سوی می نگران است      آخر سبک آن ساغر سنگین به من آرید

کو صبر که از دور رسد نوبت مخمور      یک جرعه می از دور نخستین به من آرید

(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۲۵۳؛ همو ۱، ص ۱۵۵؛ همو ۶، برگ ۲۵۱؛ جلال عضد، ص ۹۶؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۶۰۷؛ جنگ مهدوی، برگ ۲۲۲؛ ایضاً چهار بیت در دست‌نویس مجلس (ش ۵۹۷۶)، برگ ۸۰۳)

ابیات آخر دو شاعر که حاوی تخلص ایشان است به شرح زیر می‌باشد:

آخر به چه سان است ز هجران تو خسرو      روزی خبر عاشق مسکین به من آرید

احوال جلال از غم هجران به چه سان است      روزی خبر عاشق مسکین به من آرید

۲۴) بیت زیر مطلع غزلی شش‌بیتی (چاپ درویش پنج بیت دارد) در دیوان امیر خسرو است که عیناً در جمع ۹ بیت جلال آمده است:

دل از بند زلفت رها کی شود      ز یار قدیمی جدا کی شود

(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۴۵۷؛ همو ۱، ص ۳۲۳؛ همو ۶، برگ ۵۳۰؛ جلال عضد، ص ۵۹؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۶۰۸؛ جنگ مهدوی، برگ ۲۴۱؛ ایضاً چهار بیت در دست‌نویس مجلس (ش ۵۹۷۶) ص ۸۰۳؛ علامندی، ص ۲۶۷)<sup>۱</sup>

بیت آخر:

کجا همدم و یار خسرو شوی      که شه همنشین گدا کی شود

کجا همدم یار گردی جلال      که شه همنشین گدا کی شود

۲۵) بیت زیر مطلع غزلی است که با ۷ بیت از امیر خسرو و ۱۰ بیت به نام جلال درج گشته و ۷ بیت امیر خسرو کاملاً در اشعار جلال تکرار شده است:

۱. چهار بیت اول غزل جلال در صفحه ۳۰ ب و ادامه آن در ۳۹ الف دیده شود؛ گویا در وصالی، ابیات غزل از هم جدا شده و دور افتاده است؛ استاد افشار با مشاهده بیت پنجم در ۳۹ الف گفته‌اند: «دنباله غزل صفحه‌ای که موجود نیست» (افشار، ص ۲۰).



به رخ خاک درت رفتیم و رفتیم دعای دولتت گفتیم و رفتیم  
(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۵۸۴؛ همو ۱، ص ۳۸۵؛ همو ۴، برگ ۲۴۱ ب؛ همو ۶، برگ ۶۳۹؛ جلال عضد،  
ص ۱۵۳؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۶۱۹؛ جنگ مهدوی، برگ ۱۹۴)  
بیت آخر:

ندارد قوت رفتار خسرو میان سیل خون افتیم و رفتیم  
جلال از قوت رفتن نداریم میان سیل خون افتیم و رفتیم  
(۲۶) غزل هفت‌بیتی زیر در جمع اشعار هر دو شاعر کاملاً همسان دیده می‌شود:  
گل رنگ نگار ندارد بوی خوش یار ما ندارد  
(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۲۹۱؛ همو ۱، ص ۱۸۸؛ همو ۴، برگ ۱۶۴؛ همو ۶، برگ ۳۰۲؛ جلال عضد،  
ص ۷۵؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۶۳۳-۶۳۴؛ جنگ مهدوی، برگ ۵۱؛ جنگ آستان قدس...  
(ش ۱۰۳۹۹)، برگ ۱۳۳؛ ایضاً ۳ بیت در دست‌نویس مجلس (ش ۵۹۷۶)، برگ ۸۰۲)  
اوحدی دو بیت آن را در عرفات و در ادامه اشعار جلال آورده و گفته: «و بعضی این ابیات  
مذکور از دیگر جلالی دانند» (ج ۲، ص ۱۰۱۲).

بیت تخلص:

خونبار چو خسرو از کنارت کو میل کنار ما ندارد  
خونبار جلال در کنارت کو میل کنار ما ندارد  
(۲۷) این غزل هشت‌بیتی خسرو نیز در جمع ۱۱ بیت جلال آمده است:  
باد صبا ز نافه چینت نمی‌رسد بویی به عاشقان غمینت نمی‌رسد  
(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۴۰۶؛ همو ۱، ص ۲۷۸؛ همو ۴، برگ ۱۴۲ ب؛ همو ۶، برگ ۴۴۸؛ جلال عضد،  
ص ۵۴؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۶۴۰؛ جنگ مهدوی، برگ ۱۸۹؛ جنگ بادلیان، برگ ۴۸۳؛  
ایضاً ۶ بیت در دست‌نویس مجلس (ش ۵۹۷۶)، برگ ۷۹۹؛ علامندی، ص ۲۹۷)  
ابیات حاوی تخلص دو شاعر:

با خار ساز خسرو اگر گل به دست نیست کز گلشن زمانه جز اینت نمی‌رسد  
جلال بیت بالا را تغییر داده و بیت دیگری را به‌عنوان تخلص آورده است:  
با خار غم بساز اگر گل به دست نیست کز گلشن زمانه جز اینت نمی‌رسد  
بردی جلال گوی فصاحت روزگار شعر کسی به نظم متینت نمی‌رسد  
(۲۸) شعر زیر در دیوان هر دو شاعر (دست‌نویس ۸۹۷ ق بیت آخر را ندارد) با ۹ بیت آمده  
است:

چمن را رنگ و بو چندین نباشد      سمن را جعد مشک آگین نباشد  
(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۲۷۴؛ همو ۱، ص ۱۷۳؛ همو ۴، برگ ۱۴۸ ب؛ همو ۶، برگ ۲۸۱؛ جلال عضد، ص ۶۲؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۶۴۴؛ جنگ مهدوی، برگ ۱۹۸؛ ایضاً ۴ بیت در دست‌نویس مجلس (ش ۵۹۷۶)، برگ ۸۰۰)  
جز بیت تخلص، ابیات دیگر عیناً تکرار شده است:

چرا خسرو کند ناله چو فرهاد      گر آن دلبر چنین شیرین نباشد  
جلال از دل برون کن نقش رویش      که دوزخ جای حورالعین نباشد  
(۲۹) غزل زیر در دیوان جلال با ۱۰ بیت و در دیوان امیر خسرو با ۹ بیت دیده شده است:

جان سرانگشت آن نگارین دید      عقل انگشت خویشتن بگزید  
(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۴۳۹؛ همو ۱، ص ۳۰۷؛ همو ۴، برگ ۱۴۸ آ؛ جلال عضد، ص ۸۵؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۶۵۰؛ جنگ مهدوی، برگ ۲۳۷؛ جنگ آستان قدس (ش ۱۰۳۹۹)، برگ ۱۲۸).  
بیت آخر:

همچو خسرو بسوخت از رخ او      هر که آن شیوه و شمایل دید  
به نظر می‌رسد گرداندن تخلص خسرو و مصادره به مطلوب بیت برای جلال میسر نبوده است؛ از این رو جلال بیت بالا را تغییر داده و بیت دیگری را به عنوان تخلص آورده است:  
همچو من فتنه گشت بر رخ او      هر که آن شیوه و شمایل دید  
جانش از درد رسته شد چو جلال      هر که این درد را به جان بخريد  
(۳۰) غزل زیر در نسخه روشن و درویش با ۷ بیت و در نسخه روسیه با ۹ بیت به نام امیر خسرو آمده است؛ همین غزل با ۸ بیت در نسخه مجلس و با ۹ بیت در نسخه مهدوی ذیل اشعار جلال مشاهده می‌گردد:

مگر فتنه عشق بیدار شد      که خلوت‌نشین سوی خمّار شد  
(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۴۳۷؛ همو ۱، ص ۳۰۵؛ همو ۶، برگ ۵۲۹؛ جلال عضد، ص ۹۷؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۶۵۱-۶۵۲؛ جنگ مهدوی، برگ ۲۴۲)  
بیت آخر:

به عیاری آموخت خسرو کنون      که جویای آن شوخ عیار شد  
به عیاری آموخت اینک جلال      چو جویای آن شوخ عیار شد

(۳۱) غزل زیر در جمع اشعار امیر خسرو با ۱۰ بیت و در اشعار جلال با ۱۱ بیت ثبت

است:

بخت برگشت ز من تا تو برفتی ز برم      کی بود باز که چون بخت درآیی ز درم  
(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۶۱۹؛ همو ۱، ص ۴۱۲؛ همو ۴، برگ ۲۵۳؛ همو ۶، برگ ۶۸۰؛ جلال عضد،  
ص ۱۴۶؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۵۹۹؛ علامرندی، ص ۲۷۲)  
هر دو بیت آخر:

به صبوری نتوان کرد مداوا خسرو      بیم آن است که هر روز که آید بترم  
به صبوری نتوان کرد مداوای جلال      بیم آن است که هر روز که آید بترم

(۳۲) غزلی ۱۰ بیتی از امیر خسرو با مطلع زیر (در چاپ اقبال و درویش ۹ بیت دارد) با

۹ بیت در دیوان جلال آمده است:

ای شمع رخ تو مطلع نور      زان حسن و جمال چشم بد دور  
شعر ۹ بیتی جلال در ۴ بیت اول، جز اختلافاتی اندک چون مطلع آن: ای زلف و رخ تو  
ظلمت و نور... فرقی با ۴ بیت اول امیر خسرو ندارد؛ بیت پنجم امیر خسرو نیز در جایگاه  
هشتم ابیات جلال آمده است؛ ابیات دیگر از جمله ابیات تخلص دو شاعر با یکدیگر فرق  
دارد.

(خسرو دهلوی ۲، ص ۴۸۴؛ همو ۱، ص ۳۲۶؛ همو ۴، برگ ۱۹۵؛ همو ۶، برگ ۵۳۶؛ جلال عضد،  
ص ۱۰۴؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۵۸۵؛ ایضاً ۴ بیت در دست‌نویس مجلس (ش ۵۹۷۶)،  
برگ ۸۰۴)

(۳۳) غزل ۱۳ بیتی امیر خسرو با ۱۰ بیت در اشعار جلال آمده است:

نازنینان و چار بالش ناز      خاکساران و آستان نیاز

(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۵۱۰؛ همو ۱، ص ۳۴۳؛ همو ۶، برگ ۵۶۲؛ جلال عضد، ص ۱۱۰؛ جنگ  
مهدوی، برگ ۲۱۹؛ ایضاً ۵ بیت در دست‌نویس مجلس (ش ۵۹۷۶)، برگ ۸۰۴)  
اوحدی ۶ بیت از غزل فوق را در عرفات و ذیل اشعار جلال آورده و گفته: «و بعضی این ابیات  
مذکور از دیگر جلالی دانند» (ج ۲، ص ۱۰۱۲).

بیت آخر:

خسرو ار گریه کرد معذور است      که ش چو شمع است کار سوز و گداز  
گر بگرید جلال معذور است      کین چو شمع است کار سوز و گداز

(۳۴) غزل زیر در دیوان امیر خسرو با ۶ و در دیوان جلال با ۹ بیت موجود است:  
تو میندار که دوران همه یکسان گذرد      گاه در وصل و گهی در غم هجران گذرد  
(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۳۵۹؛ همو ۱، ص ۲۳۶؛ همو ۴، برگ ۱۴۵ ب؛ همو ۶، برگ ۳۷۵؛ جلال عضد، ص ۸۷؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۵۹۳؛ جنگ مهدوی، برگ ۱۹۸؛ ایضاً دو بیت در دست‌نویس مجلس (ش ۵۹۷۶)، برگ ۸۰۲)  
غزل خسرو تخلص ندارد؛ اما تخلص جلال نیز در بیت ۹ آمده است.

(۳۵) غزل زیر در هر دو دیوان با ۹ بیت دیده می‌شود:  
خبرت هست که از خویش خبر نیست مرا      گذری کن که ز غم راه گذر نیست مرا  
(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۴۵؛ همو ۱، ص ۱۲؛ همو ۶، برگ ۳۶؛ جلال عضد، ص ۱۳؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۶۰۹؛ جنگ مهدوی، برگ ۱۹۸؛ ایضاً ۴ بیت در دست‌نویس مجلس (ش ۵۹۷۶)، برگ ۸۰۰)

تخلص:

تا که آمد رخ زیبات به چشم خسرو      بر گل و لاله کنون میل نظر نیست مرا  
تا که آمد رخ زیبای تو در چشم جلال      بر گل و لاله کنون میل نظر نیست مرا  
(۳۶) امیر خسرو غزلی ۶ بیتی دارد که با ۳ بیت جدید در دیوان جلال نیز موجود است:

ای از فروغ روی تو خورشید روسپید      شب را به جنب طره‌ی تو گشته مو سفید  
(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۳۹۵؛ همو ۱، ص ۲۶۸؛ همو ۴، برگ ۱۳۵ ب؛ همو ۶، برگ ۴۳۰؛ جلال عضد، ص ۵۷؛ جنگ مهدوی، برگ ۱۷۴).  
کاتب جنگ مهدوی بالای تمام ردیف‌های سپید، سیاه نیز نوشته است. ابیات تخلص به شرح زیر است:

جز در خطا دمید بیاض سواد من      خسرو میان نظم سیاهی مجو سپید  
جز در خطا دمند و بیاض و سواد من      اندر جهان نظم سیاهی مجو سپید  
(۳۷) غزل ۵ بیتی خسرو بعد از رونویسی کامل با ۴ بیت دیگر در دیوان جلال مشاهده می‌گردد:

چون مرغ سحر در غم گلزار بنالد      از غم دل دیوانه‌ی من زار بنالد  
(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۲۶۳؛ همو ۱، ص ۱۶۳؛ همو ۴، برگ ۱۴۸ ب؛ همو ۶، برگ ۲۶۷؛ جلال عضد، ص ۶۵؛ جنگ مهدوی، برگ ۲۰۲)

ضبط ۵ بیت امیر خسرو در نسخه روسیه، دقیقاً در شعر جلال تکرار شده و بیت آخر امیر خسرو در نسخه رضوی و روسیه که تخلص ندارد در شعر جلال یکسان آمده است: گر خسته‌ای از درد بنالد چه توان گفت عیبی نتوان کرد که بیمار بنالد اما همین بیت در نسخه چاپی درویش و اقبال، همراه با تغییراتی است که ذکر تخلص نیز شامل آن شده است:

خسرو اگر از درد بنالد چه توان گفت عیبی نتوان کرد که بیمار بنالد  
(۳۸) غزل زیر در دیوان هر دو شاعر با ۱۰ بیت به چشم می‌خورد که دو بیت هر دو شاعر متفاوت از هم است:

به بالین غریبانت گذر نیست ز حال دردمندان خبر نیست<sup>۱</sup>  
(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۹۵؛ همو ۱، ص ۴۸؛ همو ۶، برگ ۷۳؛ جلال عضد، ص ۱۵؛ جنگ مهدوی، برگ ۲۱۱؛ جنگ بادلیان، برگ ۴۷۸ با ۱۱ بیت؛ ۳ بیت در خلاصه‌الشعار، ص ۲۵۹؛ ۳ بیت در دست‌نویس مجلس (ش ۸۸۳۶)، برگ ۴۷۹؛ ایضاً ۳ بیت در دست‌نویس مجلس (ش ۵۹۷۶)، برگ ۷۹۶)  
بیت تخلص:

مکن بیچاره خسرو را ز در دور که او را خود جز این در هیچ در نیست  
جلال خسته را از در مکن دور که او را خود جز این در هیچ در نیست

(۳۹) این غزل در دیوان خسرو ۵ بیت و در اشعار جلال ۶ بیت دارد:  
من نشنیدم که خط بر آب نویسند آیت خوبی بر آفتاب نویسند  
(امیر خسرو دهلوی ۲، برگ ۳۸۰؛ همو ۱، برگ ۲۵۴؛ همو ۶، برگ ۴۰۶؛ جلال عضد، ص ۸۸؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۵۵۰؛ جنگ مهدوی، برگ ۲۳۶؛ مسافر بن ناصر ملتوی (۷ بیت)، ص ۲۹۴؛ ایضاً ۳ بیت در دست‌نویس مجلس (ش ۵۹۷۶)، برگ ۸۲؛ علا مرندی، ص ۲۶۱)  
بیت اول آن در عرفات‌العاشقین نیز مشهود است (ج ۲، ص ۱۰۰۸).  
بیت تخلص:

قصه خونریز این دو دیده خسرو کاش بر آن چشم نیم‌خواب نویسند  
قصه درد جلال مردم دیده بر رخس از روشنی چو آب نویسند

(۴۰) غزلی که در مجموعه اشعار دو شاعر با ۹ بیت همسان آمده است:

۱. یک بیت از این غزل نیز در بیاض علا مرندی (ص ۲۷۱) ذیل وله غفرالله له آمده است که جناب افشار دنباله غزل غزل پیشین جلال دانسته‌اند (افشار، ص ۱۹): درحالی که این گونه نیست و غزل پیشین قافیه‌ای دیگر دارد.

خطی که قرین خال باشد شک نیست که بی‌مثال باشد

(امیر خسرو دهلوی ۲، ص ۲۸۷ (۸ بیت)؛ همو، ۱، ص ۱۸۴؛ همو، ۶، برگ ۲۹۸؛ جلال عضد، ص ۹۰؛ دست‌نویس مجلس (ش ۲۶۵۶)، ص ۵۹۸؛ جنگ مهدوی، برگ ۲۳۶؛ جنگ آستان قدس، برگ ۱۲۷؛ ایضاً ۵ بیت در دست‌نویس مجلس (ش ۵۹۷۶)، برگ ۸۰۳)  
بیت تخلص:

گویند که بنده می‌نوازی خسرو به صف نعال باشد  
گویند که بنده می‌نوازی باشد که یکی جلال باشد

از ۳۲ شعر مذکور، که تمامی آنها را جلال عضد انتحال کرده، ۱۷ غزل خسرو، با افزایش بیت یا ابیاتی در دواوین شعری جلال دیده شده است؛ به‌زعم نگارنده، این امر کاملاً آگاهانه و بی‌دخالت ناسخان و کاتبان به قلم خود شاعر رخ داده است. به‌عنوان مثال چه دلیلی دارد که کاتبی ۶ بیت امیر خسرو را با افزایش ۵ بیت جدید و در قالب ۱۱ بیت به نام جلال سند بزند؟ یا از غزلی ۶ بیتی، ۴ بیت آن به‌تمامی در غزلی ۹ بیتی به نام جلال به ثبت برسد و دو مصراع مختلف از این غزل خسرو، سازندهٔ دو بیت جداگانه از جلال باشد؟ ایضاً وجود اغلب اشعار ما نحن فیه در نسخ قدیم جلال، شائبهٔ دخالت ناسخان را بر طرف می‌کند. به‌گمان نویسنده، این اعمال تنها در جهت گمراه کردن مخاطب صورت گرفته است؛ مضاف بر اینکه در اکثر این ۳۲ غزل، تخلص امیر خسرو با زیرکی حذف شده و تخلص جلال جایگزین گشته است.

### نتیجه‌گیری

طبق آنچه در متن مقاله آمده، جلال عضد به دیوان امیر خسرو دهلوی دسترسی داشته و به مطالعهٔ آن شوقی وافر نشان داده است؛ ۸ غزل به‌عنوان شاهدهی بر این ادعا معرفی شده است که تتبع همراه با سرقتِ جلال از شعر امیر خسرو در این موارد آشکار است؛ یکسانی وزن، قافیه و ساختار شعر، بهره‌مندی از ترکیبات خاص و همچنین ذکر بی‌کم و کاست مصاربع و ابیات امیر خسرو، بی‌ذکر نام وی، در این غزلیات هر گونه‌شکی را در باب ادعای نگارنده برطرف می‌کند.

جز این موارد، تعداد ۳۲ غزل نیز با طرح ادعای سرقت ادبی و انتحال و اغارة اشعار امیر خسرو به دست جلال عضد معرفی و با نسخ قدیم اشعار دو شاعر ارزیابی گردید.

به‌زعم نگارنده، براساس موجود بودن اشعار ما نحن فیه در اقدم نسخ جلال، آوردن تخلص جلال به‌جای تخلص خسرو، و افزایش ابیات در ۱۷ غزل وی، تدبیر جلال عضد در گمراه کردن مخاطبان شعر بوده است.

به این ترتیب، ۳۲ غزل کامل امیرخسرو دهلوی به قلم جلال عضد یزدی انتقال شده که این امر با ذکر جزئیات آشکار شده و در ۸ غزل دیگر نیز ضمن تتبع و اقتفای اشعار خسرو، سرقات ادبی جلال نشان داده شده است.

### منابع

- افشار، ایرج، «بیاض علامندی»، دو فصل‌نامه آینه میراث، س ۶، ش ۴، زمستان ۱۳۸۷.
- امیرخسرو دهلوی (۱)، دیوان، به کوشش م. درویش، با مقدمه سعید نفیسی، انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۸۱.
- \_\_\_\_\_ (۲)، دیوان، تصحیح اقبال صلاح‌الدین، با مقدمه محمد روشن، تهران، نگاه، ۱۳۸۰.
- \_\_\_\_\_ (۳)، دیوان، دست‌نویس کتابخانه میشیگان امریکا، ش ۳۱۳، Isl. Ms، مورخ ۸۹۴ ق.
- \_\_\_\_\_ (۴)، دیوان، دست‌نویس کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۴۵۹۳، مورخ ۸۹۷ ق.
- \_\_\_\_\_ (۵)، دیوان، دست‌نویس کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۱۰۵۲۹، مورخ ۹۰۷ ق.
- \_\_\_\_\_ (۶)، دیوان، دست‌نویس کتابخانه روسیه، ش ۱۶۸، مورخ ۹۱۲ ق.
- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین، عرفات‌العاشقین، به تصحیح ذبیح‌الله صاحب‌کاری و آمنه فخر احمد، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۹.
- اوحدی مراغه‌ای، دیوان، به کوشش سعید نفیسی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۰.
- تقی کاشی، خلاصه‌الاشعار و زبدة‌الافکار (بخش‌هایی از رکن اول تا چهارم)، مقدمه و تصحیح یوسف بیگ‌باباپور و حمیده حجازی، انتشارات سفیر اردهال، تهران، ۱۳۹۳.
- جلال عضد یزدی، دیوان، به کوشش احمد کرمی، انتشارات ما، تهران، ۱۳۶۶.
- جنگ، کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۱۰۳۹۹، مورخ ۸۳۳ ق.
- جنگ، کتابخانه بادلیان، ش Ms Elliott ۱۲۱، مورخ ۸۳۹ ق.
- جنگ، کتابخانه مهدوی، ش ۵۸۹، مورخ ۸۲۱ ق.
- دولت‌شاه سمرقندی، تذکره‌الشعرا، به اهتمام و تصحیح ادوارد براون، اساطیر، تهران، ۱۳۸۲.
- سعدی، مصلح بن عبداللّه، غزل‌های سعدی، به تصحیح غلام‌حسین یوسفی، سخن، تهران، ۱۳۸۵.
- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، فردوس، تهران، ۱۳۷۳.
- عاصمی، محمد و عبدالغنی میرزایف، «امیرخسرو دهلوی»، نشریات دانش، آکادمی علوم تاجیکستان، ۱۹۷۶ م.

- علا مرندی، نسخه کامل بیاض، به کوشش علی فردوسی، دیبایه، تهران، ۱۳۹۱.
- قوجه زاده، علیرضا و حسین بهزادی اندوهجردی، «معرفی سید جلال عضد یزدی و سبک شعری او براساس نسخه کهن کتابخانه نورعثمانیه استانبول»، بهار ادب، ش ۲۸، تابستان، ۱۳۹۴.
- کاتبی، دیوان، دست‌نویس کتابخانه مجلس، ش ۷۷۷۶، مورخ ۸۵۰ ق.
- مجالس العشاق، دست‌نویس کتابخانه مجلس، ش ۵۹۲۲، مورخ ۹۸۹ ق.
- مجموعه اشعار، دست‌نویس کتابخانه مجلس، ش ۲۶۵۶، مورخ ۸۳۴ ق.
- \_\_\_\_\_، دست‌نویس کتابخانه مجلس، ش ۵۹۷۶، قرن ۱۱.
- \_\_\_\_\_، دست‌نویس کتابخانه مجلس، ش ۸۸۳۶، مورخ ۱۰۳۳ ق.
- \_\_\_\_\_، دست‌نویس کتابخانه مجلس، ش ۳۳۹/۱ س س. مورخ ۸۲۱ ق.
- \_\_\_\_\_، دست‌نویس کتابخانه ایالتی باواریا مونیخ، ش ۶۴، مورخ ۹۰۹ ق.
- \_\_\_\_\_، دست‌نویس کتابخانه ملی پاریس، ش ۱۴۶۹ Supplément persan، مورخ ۸۲۰ ق.
- مدبری، محمود، شاعران بی دیوان، پانوس، تهران، ۱۳۷۰.
- مسافر بن ناصر ملتوی، انیس‌الخلوه و جلیس‌السلوه (نسخه‌برگردان دست‌نویس ش ۱۶۷۰ کتابخانه ایاصوفیا)، به کوشش محمد افشین‌وفایی و ارحام مرادی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۹۰.
- منصوری، مجید، «بیست و هفت غزل از دیگر شاعران در دیوان امیر خسرو دهلوی»، شبه‌قاره (ویژه‌نامه فرهنگستان)، ش ۶، بهار و تابستان ۱۳۹۵.